

الگوی راهبردی تعامل مجلس و دولت در جمهوری اسلامی ایران

عادل آذر^۱، سیامک رهپیک^۲، رضا طلایی نیک^۳

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۴/۲۸

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۲/۰۳

چکیده

تعامل مجلس و دولت در جمهوری اسلامی ایران به عنوان یکی از الزامات راهبردی برای حاکمیت ملی، پیشرفت و اقتدار نظام محسوب می گردد که در برخی از دوره‌ها با چالش‌ها و واگرایی روبه‌رو بوده است. اتکا به الگوی راهبردی تعامل مجلس و دولت یکی از ضرورت‌ها برای اتخاذ رویکردهای مناسب و سازنده بین این دو نهاد محسوب می‌شود. مقاله حاضر درصدد تدوین این الگوی با استفاده از روش پژوهشی گراند تئوری می‌باشد. به منظور دستیابی به این هدف ۶۸ ساعت مصاحبه با ۲۴ نفر از نخبگان و صاحب نظران موضوع انجام و پس از بررسی بیانات رهبری و جمع‌بندی مصاحبه‌های صورت گرفته، تعداد ۱۲۲۰ کدباز استخراج و از تلفیق آن‌ها تعداد ۱۴۵ کد محوری و از تلفیق آن‌ها نیز تعداد ۴۲ کد انتخابی احصاء گردید و در ۶ مقوله علی، محوری، زمینه‌ای، مداخله‌ای، راهبردی و پیامدی دسته‌بندی شدند و روابط بین ابعاد، مؤلفه‌ها و نشانگرهای الگوی راهبردی تعامل مجلس و دولت تدوین شد.

کلیدواژه‌ها: تعامل، تعامل مجلس و دولت، گراند تئوری.

۱- استاد دانشگاه تربیت مدرس

۲- استاد دانشگاه علوم قضایی

۳- عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی و نویسنده مسئول (رایانامه: reza.talaeineek@gmail.com)

مقدمه

تعامل مطلوب در روابط بین نهادها و ارکان حکومتی از مؤلفه‌های اساسی در اداره عمومی و مدیریت راهبردی کشور است که نقش تعیین‌کننده و سرنوشت‌سازی در کارآمدی نظام سیاسی و نیز رضایت‌مندی عمومی و پیشرفت ملی دارد و یکی از عرصه‌های مهم آن مناسبات و همکاری‌های متقابل بین قوه مقننه در جایگاه مرجع قانون‌گذاری و نظارت با قوه مجریه در جایگاه نهاد مدیریت اجرایی کشور بر اساس اتکا به قانون و به‌کارگیری فنون مدیریتی است. اکثر کشورها از اصل تفکیک قوا با الگوهای گوناگون برای تعیین حدود و ثغور اختیارات و اقدامات ارکان حکومتی در اعمال حاکمیت استفاده می‌کنند که میزان شفافیت و کارآمدی هر یک از این الگوها متناسب با نوع ساختار نظام سیاسی از چالش‌های مدیریت راهبردی در عرصه سیاست است. همچنین موازین حقوقی معین در قانون اساسی به‌تنهایی برای تنظیم روابط و همکاری‌های مقتضی بین قوا کافی نیست و متناسب با اقتضائات فرهنگی، سیاسی و اجتماعی باید رفتارهای شخصیتی و هنجارهای مدیریتی مطلوب بین نمایندگان مردم در پارلمان و سایر کارگزاران ارشد قوه مجریه اتخاذ گردد که مستلزم دانش و تجربه و الزامات اعتقادی، اخلاقی، حرفه‌ای و هنجارهای نهادینه‌شده بر مبنای الگوی راهبردی کارآمد است.

در نظام جمهوری اسلامی ایران یکی از چالش‌های کلیدی، چگونگی تعامل مجلس و دولت است. تنش‌ها و واگرایی‌هایی که در موارد متعدد قانون‌گذاری، نظارت و همکاری مقتضی بین این دو نهاد در عرصه‌های گوناگون اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی روی‌داده حاکی از آن است که ساختار تعامل مجلس و دولت به‌عنوان دو بال اصلی مدیریت کشور نیاز به بازبینی جدی دارد.

بسیاری از مستفیدین مسائلی را که بین مجلس و دولت جمهوری اسلامی ایران وجود داشته و دارد را متأثر از مشی سیاسی حاکم بر دو نهاد در مقاطع زمانی گوناگون و رقابت‌های سیاسی که بین نمایندگان مجلس و مسئولان ارشد دولت رخ می‌دهد، تفسیر می‌کنند. عده‌ای هم به روابط ساختاری و رسمی که باید مرزها، مسئولیت‌ها و تقسیم‌کار در چرخه سیاست‌گذاری و اجرا و نظارت را روشن کند، ارجاع می‌دهند (فرتوک‌زاده و وزیری، ۱۳۹۱: ۲۱۲).

در تحقق رابطه مطلوب دولت و مجلس عوامل گوناگون ساختاری، هنجاری و زمینه‌ای نقش تعیین‌کننده و مکمل دارند؛ بنابراین تدوین الگوی راهبردی تعامل مجلس و دولت می‌تواند مبنایی برای اصلاح و تقویت روابط و مناسبات منطقی و مطلوب بین مجلس و دولت و به حداقل رساندن مناقشات و اختلافات در انجام وظایف قانونی و پاسخگویی به مطالبات مردم و ایفای نقش کارآمد دو قوه در پیشرفت کشور باشد. مقاله حاضر باهدف تدوین الگوی راهبردی تعامل مجلس و دولت در جمهوری اسلامی ایران به رشته تحریر درآمده است و سعی در پاسخ به این سؤال دارد که الگوی راهبردی تعامل مجلس و دولت در جمهوری اسلامی ایران کدام است؟

مبانی نظری و پیشینه‌شناسی تحقیق

مفهوم‌شناسی مجلس

مجلس یا به اصطلاح لاتین آن پارلمان واژه‌ای فرانسوی است و به محلی اطلاق می‌شود که در آن گفتگو، تأمل، بحث و مشاوره و بالمآل تصویب قانون صورت می‌پذیرد. این واژه از ریشه لغت لاتین (Parlement) گرفته شده است. مجلس «آلیتنگ ایسلند» نخستین و قدیمی‌ترین مجلس جهان است. این مجلس در سال ۹۲۵ میلادی تشکیل شد و تا این زمان دوام دارد (آشوری، ۱۳۷۰: ۷۶). پس از آن قدیمی‌ترین مجلس جهان در نیمه دوم قرن سیزدهم و در سال ۱۲۶۵ میلادی در انگلستان شروع به کار کرد (مهرداد، ۱۳۸۳: ۳۰). می‌توان گفت که سنت‌های مجلسی انگلستان قدیمی‌ترین و ریشه‌دارترین سنت‌های مجلسی جهان به‌شمار می‌رود.

وجود مجلس در هر کشوری، سمبل (نماد) حاکمیت مردم یا دموکراسی غیرمستقیم می‌باشد. لفظ دموکراسی در اصل در شهرهای یونان باستان پدید آمد و مراد از آن حکومت «دموس» یا «عامه مردم» است، یعنی حق همگان برای شرکت در تصمیم‌گیری در مورد امور همگانی جامعه. این دموکراسی، «دموکراسی مستقیم» نام دارد. این شکل از حکومت به‌ویژه در آتن (سده پنجم قبل از میلاد) پدید آمد (آشوری، ۱۳۷۰: ۱۵۷) و در آن شهروندان (به‌جز زنان و بردگان) هنگام اعمال دموکراسی در «آگورا» یا «پنیکس» گرد می‌آمدند و در باب مسائل عمومی به رایزنی و تصمیم‌گیری می‌پرداختند. اجتماع مردم، به‌عنوان ارگان مقنن و مصوب، حاکمیت سیاسی را مستقیماً اعمال می‌کرد (قاضی، ۱۳۸۸: ۷۵۵).

ولی امروزه تحقق دموکراسی مستقیم یا بی‌واسطه در کشورهای بزرگ به سبب بالا بودن جمعیت و اشتغالات و گرفتاری‌های زندگی روزانه مردم دشوار است و به همین خاطر آنچه در جهان امروز، در پهنه «دولت-ملت»‌ها به نام دموکراسی شناخته می‌شود؛ دموکراسی غیرمستقیم یا نمایندگی^۱ است؛ یعنی نمایندگانی که در مجلس‌های قانون‌گذاری خواست اکثریت مردم را به اجرا گذارند ولی باین حال، سوئیس هنوز از کشورهای کم‌مانندی است که دموکراسی بی‌واسطه یا مستقیم به‌گونه‌ای چشمگیر در آن جریان دارد. ولی در دیگر کشورها، دموکراسی مستقیم در مورد استثنایی و به‌صورت مراجعه به آراء و افکار عمومی - که همه‌پرسی یا فراندوم نام دارد - اجرا می‌شود (ابوالحمد، ۱۳۷۰: ۱۷۰). در اصل ۵۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در این باره چنین اعلام شده است: «در مسائل بسیار مهم اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی ممکن است اعمال قوه مقننه از راه همه‌پرسی و مراجعه مستقیم به آرای مردم صورت گیرد. درخواست مراجعه به آرای عمومی، باید به تصویب دو سوم مجموع نمایندگان مجلس برسد».

بنابراین می‌توان گفت که رژیم سیاسی مبتنی بر مجلس، در واقع تجلی‌بخش اراده ملت و اعمال حاکمیت ملی است و در کشورهایی که با اصول دموکراسی اداره می‌شوند، مجلس مرکز ثقل سیاست و تصمیم‌گیری درباره مسائل مملکتی است.

حتی در نظام توحیدی اسلام نیز با وجود قوانین جامع و کامل الهی که از وحی سرچشمه می‌گیرد نوعی نهاد قانون‌گذاری ضروری است. با این تفاوت که اصول و قواعد کلی قانونی از طریق وحی الهی مشخص و تعیین شده و به دلیل حاکمیت تشریعی خداوند اطاعت از این اصول کلی اجتناب‌ناپذیر است، ولی در قلمرو وسیع مباحثات و احکام ترخیصیه و نیز موضوعات و کیفیت اجرای احکام کلی و در تشخیص و تطبیق عناوین ثانوی و تبیین احکام ثانوی، اختیارات وسیعی توأم با مسئولیت، به انسان آگاه و مؤمن تفویض گردیده است (عمیدزنجانی، ۱۳۹۱: ۱۴۱).

قوة قانون‌گذاری هر کشور ممکن است از یک یا دو مجلس تشکیل شود. کشورهایی با نظام حکومتی فدرال معمولاً دو مجلس دارند و در بعضی کشورهای بسیط نیز، دو مجلس وجود دارد. در نظام‌های دو مجلسی، مجلس اول را مجلس سنا یا مجلس اعیان می‌گویند، در انگلستان، این مجلس به «مجلس لردها» معروف است که اعضای آن انتخابی نبوده و یک مجلس مشورتی به‌شمار می‌آید. مجلس دوم نیز، برحسب ملل مختلف، مجلس شورا، یا مجلس نمایندگان و یا مجلس عوام نام دارد. کشورهایی نظیر امریکا (مجلس سنا و مجلس نمایندگان)، انگلستان (مجلس عوام و مجلس لردها)، هند (راج سبی و لوک سبی) و سوئیس (مجلس شورا و مجلس کانتون‌ها)، دارای نظام دو مجلسی هستند. در نظام‌های دو مجلسی، حدود اختیارات هر یک از دو مجلس توسط قانون مشخص شده است.

نگاهی گذرا به قانون‌گذاری در کشورهای مختلف جهان مؤید این ادعاست که در نیمه دوم سده بیستم در اغلب کشورها اصل بر این است که مردم در تصمیم‌گیری‌های سیاسی به‌طور مستقیم شرکت نمی‌کنند، بلکه حق قانون‌گذاری و اتخاذ تصمیم در زندگی مشترک را به‌عهده نمایندگان می‌گذارند که بر طبق قوانین باید آزادانه از سوی مردم انتخاب‌شده و به نمایندگی و وکالت از جانب موکلان تصمیم بگیرند (طلایی‌نیک: ۱۳۹۶).

مفهوم‌شناسی دولت

واژه دولت یا جامعه سیاسی دارای دو مفهوم است. دولت در مفهوم نخست، معادل کلمه State از ریشه Stare، به معنای ایستادن و یا وضعیت پایدار است که مفهومی گسترده داشته و مترادف لفظ حاکمیت به کار می‌رود. در این معنی دولت عبارت است از گروهی از مردم که در سرزمین معین (کشور) سکونت داشته بر مردمانی معین (ملت)، تحت اصول منظم (قانون) تسلط پایدار دارند. آن گروهی از نظر داخلی نگاهبان نظم به‌شمار می‌آید و از نظر خارجی پاسدار تمامیت ارضی و منافع ملی و یکایک شهروندان خویش است (آشوری، ۱۳۶۶: ۱۶۲).

دولت در این مفهوم شامل هر سه رکن جامعه یعنی قوه قانون‌گذاری، قوه قضاییه و قوه اجرایی است و عناصر ثابت و پایدار حاکمیت یعنی جمعیت، سرزمین و قدرت عالی سیاسی را در برمی‌گیرد. این طبقه‌بندی قدیمی‌ترین و باارزش‌ترین سازمان‌دهی گسترده دولت‌ها به‌شمار می‌رود (ارسطو، ۱۳۵۸). بر این اساس، دولت عبارت است از عده‌ای از مردم که در قلمرو معینی سکونت داشته و مطیع یک قدرت عالی‌ه می‌باشند (عمیلدزنجانی، ۱۳۹۱)؛ مانند دولت‌های ایران و ترکیه.

دولت در مفهوم دوم، معادل کلمه **Government** یعنی حکومت است و به معنی فرمان‌راندن به‌کار می‌رود. دولت در معنای حکومت از حاکمیت محدودتر بوده مبین قدرت اجرائی یا قوه مجریه است. گاهی هم به معنی کل دستگاه و نهادهای حاکم نیز آمده است (بارکر، ۱۹۷۹)؛ مانند دولت مصدق سقوط کرد (منصفی، ۱۳۴۸:۱).

دولت و عناصر وابسته به آن در مفهوم نخست (حاکمیت)، بزرگ‌ترین نهاد سیاسی کشور است که دارنده بیشترین و کامل‌ترین امکانات، فشارهای مادی و معنوی در مفهوم گسترده آن است و از ویژگی ایستادگی و پایداری برخوردار می‌باشد. دولت در معنی دوم (حکومت)، یکی از نهادهای سیاسی جامعه است که می‌تواند توسط سایر نهادها کنترل شود و تغییر کند و از ویژگی ناپایداری برخوردار می‌باشد (ابوالحمد، ۱۳۶۸:۱۴۳).

کتاب دانشنامه سیاسی در تعریف دولت می‌نویسد: «دولت، به ساخت قدرتی که در سرزمین معین (کشور) بر مردمانی مشخص (ملت) تسلط پایدار داشته و از نظر داخلی نگهبان نظم و از نظر خارجی پاسدار تمامیت ارضی و منافع ملت و یکایک شهروندان خویش باشد دولت گفته می‌شود». این ساخت قدرت به‌صورت نهادها، سازمان‌های اداری، سیاسی، قضائی، حقوقی و نظامی و قوای حاکم فعلیت می‌یابد (برهانی، ۱۳۹۱:۱۱۸). با پیدایش مفهوم جدید دولت در حقوق عمومی و حقوق بین‌الملل، دولت دارای ساخت قدرتی پایدار گردیده و وجود آن به اراده ملت قوام یافت نه با اراده فرمانفرما. این تفکر که از دوره ماکیاولی (۱۵۲۷-۱۴۶۹) آغاز گردید با انقلاب کبیر فرانسه بسط یافت، این تفکر می‌گوید: هر ملتی مالک سرزمین خویش و تشکیل‌دهنده دولت به‌عنوان نماینده ملت است و بر این اساس دولت عبارت است از: ساخت قدرتی که ملت برای دفاع از خود و سرزمین خود و برقراری قانون و نظم در میان اعضاء خود پدید می‌آورد و حکومت دستگاهی متغیر است که در درون ساخت مزبور قرار دارد و مسئول انجام کارکردهای آن و نگهبان آن است؛ بنابراین سه عنصر «کشور»، «ملت» و «دولت» ثابت و پایدارند لیکن رژیم (حکومت) برحسب ضروریات تغییر می‌کند. مثلاً از سلطنت به جمهوریت و یا از استبداد به دموکراسی تبدیل می‌شود (آشوری، ۱۳۶۶:۱۶۳).

ژان بدن^۱ که در خلال جنگ‌های مذهبی فرانسه می‌زیسته و چند بار تغییر عقیده سیاسی داده است در کتابش به نام «شش کتاب در باب جمهوری» تعریفی از دولت یا اجتماع سیاسی به دست داده و سراسر کتاب

اول را به توضیح آن پرداخته است: «دولت یا اجتماع سیاسی عبارت است از حکومت قانونی چندین خانوار و کلیه متعلقات مشترک ایشان به همراه یک حاکمیت فائقه».

ژرژ بوردو سیاست‌شناس متأخر فرانسوی، دولت را «قدرت نهادینه» تعریف می‌کند و معتقد است: «اندیشه دولت را باید در چارچوب تحولات روانی و اجتماعی خاصی مورد تأمل قرارداد که باعث پیدایش نوعی از قدرت سیاسی می‌گردد و از اعمال کنندگان آن جدا می‌شود و در یک نهاد تبلور می‌یابد» (نقیب‌زاده، ۱۳۸۰: ۱۷۸).

در علم سیاست نیز دولت دارای تعابیر مختلفی است. درحالی‌که ارسطو آن را «وسیله خیر» و «سعادت همگانی» می‌داند و فارابی نیز در این باره با وی هم‌داستان شده است، هربرت اسپنسر و ابن‌خلدون آن را «شری‌گریزناپذیر» می‌دانند و مارکس می‌گوید «دولت خادمی است که به مخدوم تبدیل شده است» (همان: ۱۸۰).

دولت مهم‌ترین رکن و عنصر نظام سیاسی و نهادی است که از طریق سازمان‌های خود به حاکمیت ملی تبلور می‌بخشد و اداره امور همگانی را بر عهده می‌گیرد بدون آنکه جنبه شخصی یا گروهی داشته باشد (برهانی، ۱۳۹۱: ۱۲۱).

از آنچه در تعریف دولت گذشت، می‌توان به‌طور خلاصه بیان نمود که دولت در سه مفهوم زیر به کار می‌رود:

الف: دولت به معنای عام: شخصیت حقوقی است که به گونه متمرکز یا نیمه‌متمرکز در قلمرو معینی مستقر بوده و از قدرت عالی و حیثیت بین‌المللی (حاکمیت) برخوردار است.

ب: دولت به معنای حکومت: در این تعریف، دولت و حکومت مترادف هستند و سازمانی وسیعی است که اراده دولت را از قوه به فعل درمی‌آورد. دولت یا حکومت مرکب از مجموعه سازمان‌های اجتماعی است که برای تنظیم روابط اجتماعی و حفظ انتظام جامعه و حراست از منزلت شهروندان و درعین حال تأمین منافع و نیازمندی‌های عمومی به وجود آمده است. سازمان‌های اساسی حکومت را سازمان‌های سیاسی، سازمان‌های اداری و سازمان‌های قضایی شکل می‌دهند.

ج: دولت به معنای خاص: مترادف قوه مجریه است و به مجموعه سازمان‌های سیاسی - اداری گفته می‌شود که اجرای قوانین و مقررات، اداره امور اجرایی حکومت و نیز مدیریت پیشرفت کشور را بر عهده دارد. در این پژوهش دولت به معنای خاص (بند ج فوق) بوده و عبارت است از قوه مجریه (به‌جز در اموری که به رهبری مربوط است) و در چهارچوب قانون اساسی در تعامل با دو قوه مقننه و قضائیه و تحت رهبری ولی‌فقیه در نظام جمهوری اسلامی ایران و قلمرو سرزمینی ایران حکمرانی می‌نماید و موضوع پژوهش به عالی‌ترین سطوح دولت شامل ریاست‌جمهوری و هیات وزیران و روسای دستگاه‌های اجرایی در قوه مجریه و معاونین مربوطه آنان ارتباط دارد.

اصل تفکیک قوا

امروزه در نظام‌های سیاسی برای مهار قدرت بی‌حدوحصر حاکمان و تأمین آزادی افراد، اصل تفکیک قوا امری ضروری و گریزناپذیر می‌باشد.

بسیاری اصل تفکیک قوا را برگرفته از تجربیات و دستاوردهای فکری قرن هجدهم اروپا می‌دانند. در واقع متسکیو حاصل تجربیات و دستاوردهای اندیشمندان گذشته را به شکل امروزی مطرح ساخت.

در ایران، اندیشه تفکیک قوا ابتدا توسط شخصیت‌های گوناگون مطرح گردید و در تدوین اولیه قانون اساسی و متمم آن در سال ۱۲۸۶ هجری شمسی اصل تفکیک قوا و استقلال آن‌ها از یکدیگر پذیرفته شد (اصول ۲۶ و ۲۷ متمم قانون اساسی در قبل از نظام جمهوری اسلامی ایران).

با استقرار نظام جمهوری اسلامی در ایران، قانون اساسی مشروطه لغو و قانون اساسی جدید در سال ۱۳۵۸ تدوین و در دوازدهم آذر همان سال با همه‌پرسی به تصویب ملت رسید و ده سال بعد (در سال ۱۳۶۸) مورد بازنگری قرار گرفت و در این قانون، اصل تفکیک قوا و استقلال آن‌ها از یکدیگر پذیرفته شده است. در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران با توجه به آموزه‌های دین اسلام در خصوص ساختار نظام سیاسی در دوران غیبت و همچنین نظارت و جلوگیری از فساد صاحبان قدرت، ضمن استفاده از دستاوردهای نظام‌های سیاسی، با در نظر گرفتن نقاط قوت، ضعف و کاستی‌های آنان، ولی فقیه جامع‌الشرایط در رأس هرم نظام سیاسی قرار گرفته، روابط قوای سه‌گانه نیز به صورت قانونی مشخص شده است و با نظارتی که ولایت فقیه بر تمام نهادهای سیاسی کشور و قوای سه‌گانه دارد، از مشکل ناهماهنگی و تصادم میان قوا جلوگیری شده و مصالح، منافع، امنیت و وحدت کشور و جامعه حفظ می‌گردد (علوی و صادقیان، ۱۳۸۹: ۲۶۰).

الف) تفکیک مطلق قوا

نظریه تفکیک مطلق بر اساس تفکیک حاکمیت بین قوای سه‌گانه پی‌ریزی شده است. بدین شکل که هر قوه قسمتی از حاکمیت خود را به‌طور مساوی، اما با طبیعتی جداگانه، اعمال می‌کند. بر این مبنا، هیچ‌یک از قوای سه‌گانه حق انحلال قوای دیگر را ندارد. برخی کشورها با تلاش در تقسیم برابر و مساوی حاکمیت در سه قوه در صدد احیای تفکیک مطلق قوا برآمدند و تصور کردند که می‌توان بین سه قوه مقننه، مجریه و قضائیه دیواره‌های نفوذناپذیری تعبیه کرد که هیچ‌کدام از قوا نتوانند در کارهای دیگران مداخله نمایند، هدف اصلی تفکیک قوا که همانا دفاع از آزادی سیاسی و امنیت شهروندان و ایجاد حکومت مردم‌سالار است، حاصل شده باشد (بلامی، ۱۳۸۴، ص ۸).

بر اساس آنچه گفته شد، نخستین شرط تفکیک مطلق قوا آن است که هر یک از سه قوه، به وظیفه‌ی تخصصی خود پردازند و دیگر آن‌که هر قوه در برابر قوای دیگر مستقل بوده و هیچ وسیله‌ای برای اعمال نفوذ در برابر قوه دیگر نداشته باشد و نتواند آن را برای انجام و یا خودداری از انجام عملی تحت فشار قرار دهد. در

تفکیک مطلق قوا، قوهی مقننه هیچ امتیاز و اختیاری در برابر مجریه ندارد و نمی‌تواند در تعیین کارگزاران قوه مجریه، دخالتی نماید و یا آنان را با سؤال و نهایتاً استیضاح، از کار عزل و برکنار سازد و در مقابل قوه مجریه نیز حق دخالت در امور قوهی مقننه را ندارد و نمی‌تواند در تشکیل اجلاس‌های قوه مقننه وقفه ایجاد کند و یا آن را منحل سازد. همچنین قوه مجریه نیز هیچ‌گونه وسیله‌ای در اختیار ندارد که بتواند قضات را تحت فشار قرار دهد و قوهی قضائیه نیز حق اعمال نفوذ در مجریه را ندارد (طباطبائی، ۱۳۹۰، ص ۱۲۵).

ب) تفکیک نسبی قوا

منظور از تفکیک نسبی قوا این است که قوای حکومتی علاوه بر اینکه در کارهای خود استقلال عمل دارند در کار قوهی دیگر دخالت نمی‌کنند؛ اما بین آن‌ها یک نوع همکاری، تعامل و ارتباط وجود دارد که عمده‌تاً با اصطلاح تفکیک نسبی قوا، اصطلاح «همکاری قوا» در منابع حقوق اساسی مشاهده می‌شود (قاضی، ۱۳۷۵، ص ۱۸۸).

بر اساس نظریه تفکیک نسبی قوا، قوای حکومتی به کلی از یکدیگر جدا نیستند و اراده‌ی عموم یک‌باره ولی به درجات ظاهر می‌شود. در این روش هر قوه در مقابل قوهی دیگر مجهز به ابزار و وسایلی می‌باشد که از آن راه می‌تواند جلوی انحرافات مستبدانه‌ی قوهی دیگر را بگیرد مانع خطاهای احتمالی آن شود (طباطبائی، ۱۳۹۰، ص ۱۸۶).

مطالعه روابط قوا در ساختار نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران

الگوی تفکیک قوا در نظام جمهوری اسلامی ایران پذیرفته‌شده است و هدف اصلی از تفکیک قوا، از یک‌سو موازنه قدرت بین قوای سه‌گانه و از سوی دیگر حیثه‌بندی ماهوی و تخصصی امور حاکمیت می‌باشد. مطابق اصل پنجاه و هفتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، قوای حاکم در جمهوری اسلامی ایران عبارت‌اند از: قوه مقننه، قوه مجریه و قوه قضائیه که زیر نظر ولایت مطلقه امر و امامت امت، اعمال می‌گردند. این قوا مستقل از یکدیگرند (اصل ۵۷ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران).

همان‌گونه که از اصل مذکور نیز مشاهده می‌شود، قانون اساسی ضمن پذیرش نسبی تفکیک قوا، استقلال قوا از یکدیگر را مطرح می‌کند؛ اما از سوی دیگر می‌گوید قوای سه‌گانه «زیر نظر ولایت مطلقه امر و امامت امت» قرار دارند که قوه مقننه از طریق مجلس شورای اسلامی، متشکل از نمایندگان منتخب مردم (اصل ۵۸ قانون اساسی) و قوه مجریه، جزء در مواردی که مستقیماً بر عهده رهبری (ولی فقیه) است، از طریق رئیس‌جمهور منتخب مردم و وزیران اعمال می‌شود (اصل ۶۰ قانون اساسی). استقلال قوه قضائیه را دادگاه‌ها اعمال می‌کنند که باید طبق موازین اسلامی تشکیل شوند (اصل ۶۱ قانون اساسی).

به‌زعم قریب به اتفاق اندیشمندان و فیلسوفان سیاسی، نوعی از نظام تفکیک که در آن قوای حکومتی در عین استقلال، دارای نوعی از وجوه نظارتی بر یکدیگر نیز می‌باشند، الگوی کارآمدی برای حکومت محسوب می‌شود. این الگو، به‌گونه‌ای مورد توجه قانون اساسی نظام جمهوری اسلامی ایران قرار گرفته است؛ الگویی که با وجود اصل ولایت مطلقه فقیه، دارای ویژگی‌های خاصی می‌باشد (جعفری ندوشن، ۱۳۸۳: ۶۵).

برخلاف باوری که معتقد است در نظریه ولایت فقیه، مقوله تفکیک قوا محدودش می‌شود، مراجعه‌ای به بیانات حضرت امام خمینی (ره) درباره ضرورت توزیع قدرت تفکیک قوا از یکدیگر باهدف جلوگیری از خودرایی و آشکارکننده آن است که مقوله تفکیک قوا در ساختار سیاسی جمهوری اسلامی ایران، به رسمیت شناخته شده است (شریف لک‌زایی، ۱۳۸۵: ۹۵). در این میان، ولی فقیه به منظور حفظ بعد دینی دولت، تدوین سیاست‌های کلی نظام، ایجاد هم‌گرایی میان نهادها و نهایتاً حمایت از حقوق شهروندان، به‌عنوان چهارچوبی عمل می‌کند که بر بستر آن، قدرت در سه قوه مرسوم در نظریه تفکیک قوا، توزیع شده است. به بیان مصباح یزدی می‌توان گفت که «در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اصل تفکیک قوا پذیرفته شده است و در عین حال، اصل ولایت فقیه عامل ارتباط قوای حاکم قرار داده شده است که این اصل ناشی از اسلام است» (مصباح یزدی، ۱۳۷۸: ۱۰۲).

در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، استقلال محدود، متعادل و نسبی قوا ذیل نظارت عالی ولی فقیه پذیرفته شده و قوا در عین استقلال، کنترل‌کننده قدرت یکدیگرند. هرکدام در مواردی حق دخالت یا نظارت در امور یکدیگر را دارند و به یکدیگر نیازمندند؛ از اختیارات و حق تداخل و نظارت متقابل برخوردارند.

تمام قوای موجود در نظام جمهوری اسلامی ایران، در تحلیل نهایی، بازوان رهبری در حوزه مربوط به خود محسوب شده، در نهایت موظف به پاسخ‌گویی به ولی فقیه، در مقابل مردم نیز پاسخ‌گو هستند. قوه مجریه، تنها قوه‌ای محسوب می‌شود که علاوه بر موارد پیش گفته، در مقابل مجلس نیز موظف به پاسخ‌گویی است (ملک محمدی، ۱۳۸۴: ۷۹).

آنچه ذکر شد، ناظر بر مناسبات مستند بر قانون اساسی و ساخت رسمی است. علی‌رغم این ساخت رسمی، همواره و در همه کشورها، افراد یا گروه‌هایی وجود دارند که باید نظرشان را برای تغییر سیاست‌های وضع موجود جلب کرد؛ بنابراین، برای دستیابی به درکی درست از نوع و میزان روابط قوا، باید توجه کرد که در کدام یک از قوا، این افراد یا گروه‌ها نفوذ و رسوخ بیشتری دارند. امری که خود، نیازمند پژوهشی جداگانه است.

میزان تعامل قوای سه‌گانه در امور یکدیگر که گونه‌ای از تفکیک و استقلال قوا محسوب می‌شود، در جداولی در ادامه می‌آید، مشخص شده است (این جداول استخراج شده از منابع زیر می‌باشد؛ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و نیز هاشمی، ۲ جلد سال ۱۳۸۸ و جعفری ندوشن، ۱۳۸۳).

جدول ۱. اثربخشی قوه مقننه بر قوه مجریه

۱- تعیین ضوابط کلی و چهارچوب امور اجرایی و قوه مجریه از طریق قانون‌گذاری
۲- لزوم اخذ رأی اعتماد وزرا از مجلس
۳- تذکر، سؤال و استیضاح وزرا و رئیس‌جمهور
۴- ضرورت پاسخ‌گویی رئیس‌جمهور و هیئت‌وزیران در مقابل مجلس
۵- امکان رسیدگی مجلس به شکایات مردم از قوه مجریه (کمیسیون اصل ۹۰)
۶- حق تحقیق و تفحص
۷- نظارت مالی قوه مقننه از طریق تصویب و تفریق بودجه (توسط دیوان محاسبات کشور)

جدول ۲. اثربخشی قوه مجریه بر قوه مقننه

۱- امکان حضور رئیس‌جمهور، وزرا، معاونان و مشاوران آنان در مجلس و بیان مطالب
۲- امضاء و ابلاغ مصوبات مجلس توسط رئیس‌جمهور و تصویب آیین‌نامه‌ها و تصویب‌نامه‌ها
۳- عدم ارسال لایحه به مجلس و اعمال سیاست‌های اجرایی بدون قانون مجلس (راهکارهای غیرقانونی اما مرسوم)
۴- برگزاری انتخابات نمایندگان مجلس شورای اسلامی (امور اجرایی انتخابات)
۵- وابستگی تأمین بودجه و امکانات نمایندگان و مجلس شورای اسلامی به قوه مجریه

جمع‌بندی وضعیت موجود نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران از منظر روابط قوا

بررسی‌های به‌عمل‌آمده در خصوص روابط قوای سه‌گانه در ایران، حاکی از آن است که برخی تعارضات جدی حداقل در مقطعی از تاریخ جمهوری اسلامی ایران، به‌وضوح مشاهده می‌شود و از همین و نیز ضرورت مهار آن، بسیار حیاتی به نظر می‌رسد.

در حوزه تعارضات درون‌قوه‌ای، چنان‌که قبلاً گفته‌ایم، اختلافات رئیس‌جمهور و نخست‌وزیر در دوره پیش از بازنگری قانون اساسی، انتخاب وزیر برای انجام بهینه وظایف وزارتخانه‌ها را با مشکل مواجه ساخت. حتی مشکل تعیین وزیر، برای وزارت امور خارجه در دوره بنی‌صدر هیچ‌گاه حل نشد. در دوره بعد از بنی‌صدر نیز انتخاب وزیر همواره یکی از مشکلات دولت بود و ناگفته پیداست که نبود وزیر در کارکرد وزارتخانه اختلال‌انگیز است.

اختلافات مجلس و شورای نگهبان به نظر می‌رسد بیشترین تأثیر خود را در دوره ششم مجلس شورای اسلامی بر جای گذاشت و به این ترتیب یکی از کارکردهای نظام سیاسی که بسترسازی برای توسعه کشور در عرصه‌های مختلف است، دچار اختلال گشت.

در حوزه تعارضات میان قوه‌ای باید گفت روابطی که بین قوای مجریه و مقننه شکل گرفت، باعث بروز مشکلات جدی در کارکردهای قوه مجریه شد. در دوره قبل از بازنگری چنان‌که اشاره کرده‌ایم، ریشه اصلی اختلافات بین رئیس‌جمهور و نخست‌وزیر، در عدم همکاری مجلس با رئیس‌جمهور در دادن رأی اعتماد به نخست‌وزیر همسو با وی بود و در دوره بد از بازنگری هرگاه مجلس اختلافی با دولت داشت، این امر موجب ناتوانی دولت در عمل به وظایف خویش می‌شد.

با توجه به بررسی‌های تعامل مجلس و دولت در نظام جمهوری اسلامی ایران در مجموع می‌توان گفت که بر قانون اساسی، چندان شیوه تعامل و همکاری، واضح و صریح ترسیم نشده است. علاوه بر آن در پاره‌ای موارد، اسباب تداخل و تنافر حوزه‌های مسئولیتی صاحبان قدرت را نیز فراهم آورده است، با این همه، در غیاب راهکارهای قانونی می‌توان از راهکارهای عرفی و حقوقی در این زمینه بهره برد و دستگاه‌ها با تقویت تعامل و همکاری در بهینه‌سازی کارکردی ساختار سیاسی نظام، کوشا باشند. هر چه تعامل سازنده میان قوا بیشتر باشد و همکاری‌های نهادی در ساختار سیاسی افزایش یابد، همگرایی بیشتری در کلیت ساختار سیاسی قابل‌تصور است که روند تحقق اهداف نظام سیاسی را تسهیل می‌کند.

به تعبیر تیلور، همگرایی یکی شدن احساس جامعه در یک کشور است. همگرایی، روندی است که به سوی ایجاد یک جامعه ایمن پیش می‌رود که در آن، درگیری و مناقشات، جای خود را به همکاری می‌دهند (تیلور، ۱۹۷۸: ۲۳۷). بر این اساس، همکاری قوا به گونه‌ای که در آن درگیری و مناقشات به همکاری تبدیل شده و احساسی از یکی شدن در جامعه و پیگیری هدفی مشترک در میان نهادها و قوای حکومتی وجود داشته باشد، همگرایی نامیده می‌شود. از سوی دیگر، تداوم رویه‌ها، استراتژی‌ها و سیاست‌های کلی هر کشور در حوزه‌های مختلف نیز، وجه دیگری از روابط قوا را تشکیل می‌دهد و ایجاد همگرایی و انسجام بین مجلس و دولت و تنظیم ارتباط مناسب بین آن‌ها، از مبرم‌ترین مسائل جامعه در شرایط کنونی است. بررسی وضع موجود صورت گرفته در روابط مجلس و دولت، نشان‌گر موارد زیر است:

- بخشی از مواد قانون اساسی (در ارتباط با تنظیم روابط مجلس و دولت) به نوعی تبیین آرمان‌ها بوده و سازوکار مناسب تحقق آن‌ها، پیش‌بینی نشده است؛ بنابراین، اکنون که ضرورت هماهنگی بین مجلس و دولت و تنظیم ارتباط آن‌ها احساس می‌شود و این ضرورت، فارغ از جاذبه‌های شخصیت‌ها و مسئولان نظام، اجتناب‌ناپذیر می‌نماید، فقدان این سازوکارها و نارسایی آن‌ها در اداره امور کشور خود را نشان می‌دهد.

- مفهوم استقلال قوا موضوع اصل ۷۵ قانون اساسی، با توجه به وجود امور مشترک بین قوا (همانند نظام‌های اداری و استخدامی، بودجه، نظارت مالی و ...) و امور تأثیرگذار در سایر قوا (همانند تأثیرات توسعه دستگاه قضایی بر نظام اداری، تأثیرات اقدامات قوه قضائیه در تحقق برنامه‌های اقتصادی و اجتماعی دولت و ...) نیاز به تبیین دقیق داشته و ضرورت تعیین محدوده هر یک از قوا و نحوه تبعیت آن‌ها از سیاست‌های کلی و مقتضیات ملی، احساس می‌شود. نارسایی عمیق در نحوه تنظیم روابط بین مجلس و دولت و عدم مطلوبیت این روابط و وجود اختلاف بین مجلس و دولت (در برداشت از حدود اختیارات و نحوه عمل به مسئولیت‌ها) مورد اتفاق نظر مردم، مسئولان و مدیران ارشد نظام می‌باشد.

- علی‌رغم اذعان مدیران ارشد نظام درباره نارسایی روابط مجلس و دولت، هر یک از آنان ریشه‌های مشکلات را در خارج از حوزه عملکرد خویش و مرتبط با دیگر قوه تلقی می‌نمایند و با فرافکنی سعی در مجاب نمودن قوه دیگر در عدول از مواضع و برداشت‌های خود دارند و در پاره‌ای موارد، اصولاً به وجود مشکل در حوزه مسئولیت و عملکرد خود، قائل نیستند.

- به‌رغم اصل ۱۱۳ قانون اساسی که رئیس‌جمهور را «عالی‌ترین مقام رسمی کشور پس از مقام رهبری» و «مسئول اجرای قانون اساسی» می‌داند، به دلیل تلقی موجود در جامعه از مفهوم استقلال قوا (که نوعی برابری و هم‌ارزی بین قوا و مسئولین قوا را ترویج می‌نماید)، نحوه ارتباط مجلس با رئیس‌جمهور شفاف نیست و اصولاً نقش کانونی «دولت» که باید آئینه تمام‌نمای نظام در اداره امور کشور باشد، کم‌تر مورد امعان نظر قرار می‌گیرد. با توجه به نقش دولت در تنظیم لوایح قانونی و تدوین برنامه‌های توسعه کشور و ضرورت توجه به جایگاه مجلس در این برنامه‌ها، تعیین نحوه ارتباط مجلس با رئیس‌جمهور از اهمیت خاصی برخوردار است که مورد غفلت واقع شده است.

- دولت علی‌رغم دسترسی به ابزارهای حقوقی، اداری و مالی برای هماهنگی و توجیه دیدگاه‌ها و جلب حمایت مجلس از برنامه‌های خود، در استفاده از این سازوکارها فاقد ابتکار عمل بوده و در دولت‌های نهم و دهم، به‌جای استقرار سازوکارهای مناسب برای هماهنگی بین قوا، عملاً تبلیغ در فضای عمومی و گفتگو با مردم را مورد توجه قرار داده است و سازمان جامع و مدیریت‌شده‌ای برای برقراری گفتگوی سازنده با مجلس، برقرار ننموده است.

- تدوین سیاست‌های کلی نظام (که می‌تواند نقش بسزایی در ابهام‌زدایی از فعالیت‌ها و اقدامات قوا داشته باشد)، از سرعت لازم برخوردار نیست و مشارکت مردم، شکل‌های تخصصی، دولت و دیگر قوا به‌صورت نظام‌یافته و فعال در طراحی و تبیین این سیاست‌ها به شکل مناسب صورت پذیرفته است.

- ناهماهنگی بین مجلس و دولت و فقدان سامان یکپارچه در مدیریت ارشد کشور، ارتباط و گفتگوی مدیریت کلان نظام با مردم و جامعه بین‌المللی را، به‌صورت منضبط پیش نبرده است و در مواردی توان مسئولان دولت و مجلس، در توجیه این ناهماهنگی‌ها، تحلیل رفته است.

- محدوده حقوقی و قانونی و ابهام در مفاهیم «قانون»، «مقررات»، «سیاست‌های و خط‌مشی‌های اجرایی» و نیز حدود استقلال مجلس و دولت، موجب تداخل ماهوی هر یک در محدوده دیگری شده است و فقدان سازوکار نظام‌مند برای مهندسی قوانین با نگرش جامع و کلان نیز به این معضل دامن زده است.

- تنظیم روابط مجلس و دولت با یکدیگر و نیز با رهبری نظام، معمولاً ناشی از مشکلات پیش‌آمده بوده و از یک نیاز طبیعی و باهدف بهره‌بردن از فواید احتمالی این امر، صورت نمی‌گیرد.

پیشینه پژوهش

سید حمید کلاتری و میثم قاسمی (۱۳۸۹) در پژوهشی تحت‌عنوان «نظارت و کنترل استراتژیک بر سیاست‌های کلی در دوره چشم‌انداز» در سومین همایش ملی از سلسله همایش‌های تخصصی چشم‌انداز «حاکمیت و دولت شایسته در ایران ۱۴۰۴» با بهره‌گیری از مطالعه کتابخانه‌ای و بررسی اسنادی به این نتیجه رسیدند که مکانیزم‌های اجرای سیاست‌های کلی و هم‌چنین رویکرد کنترل و نظارت بر آن‌ها می‌بایست به شکلی باشد که ظرفیت‌های لازم برای تطبیق با پیچیدگی‌ها، تغییرات و تحولات مستمر محیطی را فراهم آورد و مؤلفه‌های فراوان تأثیرگذار در این فرآیند را تا جای ممکن شناسایی و پیش‌بینی و یا تحت تأثیر قرار دهد.

اصغر مهاجری (۱۳۸۹) در پژوهشی تحت‌عنوان «مدیریت مشارکتی شاه‌کلید سند چشم‌انداز، توسعه پایدار و حکمرانی شایسته در ایران» در سومین همایش ملی از سلسله همایش‌های تخصصی چشم‌انداز «حاکمیت و دولت شایسته در ایران ۱۴۰۴» با بهره‌گیری از رویکرد اکتشافی و تحقیقی و بررسی اسنادی به این نتیجه رسیده است که طراحی نقشه راه مدیریت محلی و نظام شورایی به‌عنوان تاکتیک برتر سند چشم‌انداز برای تحقق بسیاری از آرمان‌ها، مطلوب‌ها و اهداف اساسی گنجانده‌شده در سند راهبردی ج.ا.ا. که فقط با مدیریت مشارکتی محلی ممکن است.

عباس نصر (۱۳۸۹) در پژوهشی تحت‌عنوان «حاکمیت شایسته ۱۴۰۴، دولت مشارکت‌جو» در سومین همایش ملی از سلسله همایش‌های تخصصی چشم‌انداز «حاکمیت و دولت شایسته در ایران ۱۴۰۴» با بهره‌گیری از روش توصیفی-تبیینی به این نتیجه رسیده است که برای دستیابی به توسعه و پیشرفت مندرج در سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ راهی جزء مشارکت‌نخبگان از طریق تقویت حوزه عمومی که جایگاه طبیعی حیات نخبگان جامعه است را نداریم.

بهزاد ظهیری (۱۳۹۰) در پژوهشی تحت عنوان «بررسی صلاحیت‌ها و اختیارات رئیس جمهوری نسبت به مصوبه‌های قانونی قوه مقننه در جمهوری اسلامی ایران، جمهوری آذربایجان و فدراسیون روسیه» چاپ شده در فصلنامه فرآیند مدیریت و توسعه با بهره‌گیری از روش پیمایشی به این نتیجه رسیده است که هیچ‌کدام از کشورهای مذکور از وضعیت کاملاً مناسب و موافق باهدف اصل متریکی تفکیک قوا برخوردار نیستند و عدم تناسب و فقدان هماهنگی در روابط قوای مجریه و مقننه وجود دارد.

عزیز منصوری؛ عبدالرضا فاضلی (۱۳۹۲) در پژوهشی تحت عنوان «دولت افقی و هماهنگی افقی (چرایی، موانع کلیدی و راهبردها)» چاپ شده در فصلنامه مجلس و راهبرد با بهره‌گیری از روش دلفی و نظرسنجی از تعدادی از صاحب‌نظران به این نتیجه رسیده‌اند که الگوی ذهنی استراتژی محور در میان الگوهای دیگر (استراتژی محور، حزب محور، برنامه محور و فرآیند محور) دارای وجه غالب است؛ بنابراین، وجود یک استراتژی ملی، قابلیت بیشتری برای ایجاد هماهنگی در دولت دارد. تدوین یکپارچه سیاست‌ها و برنامه‌ها و هماهنگی سیاست‌گذاران سیاست‌های ملی، به هماهنگی اداره امور عمومی در کشور می‌انجامد.

حجت‌الله ایوبی (۱۳۸۷) در پژوهشی تحت عنوان «دو قرن منازعه بین دولت و مجلس در فرانسه» چاپ شده در فصلنامه پژوهشنامه روابط بین‌الملل با بهره‌گیری از روش مطالعه کتابخانه‌ای و بررسی اسنادی به این نتیجه رسیده است که تشکیل نظام بینایی، نظامی که احزاب سیاسی در آن از مهم‌ترین بازگردانند، پارلمان راه‌هایی برای نظارت بر قوه مجریه یافته و درعین حال قوه مجریه دستش برای اجرای برنامه‌هایش باز است. پارلمان به‌جای گم‌کردن وزرا و نخست‌وزیر به رأی دادن به برنامه‌های کلان و سالانه دولت بسنده کرد و دولت هم نظارت کلی پارلمان را بر سیاست‌ها و عملکرد خود پذیرفت.

عباسعلی کدخدایی و علی بهادری جهرمی (۱۳۹۰) در پژوهشی تحت عنوان «مفهوم قوه مجریه» چاپ شده در فصلنامه پژوهش‌های حقوق تطبیقی با بهره‌گیری از روش مطالعه کتابخانه‌ای به این نتیجه رسیده‌اند که آنچه جهت ممانعت از کج‌روی‌های احتمالی قوه مجریه ضروری است، اعمال نظارت صحیح مجلس بر این قوه است، نه ایجاد محدودیت برای آن که ممکن است مانع از کارآمدی این دستگاه اداره‌کننده حکومت گردد.

با بررسی‌های صورت گرفته در پیشینه تجربی می‌توان بیان نمود که تحقیق حاضر موضوع جدیدی است که در هیچ‌یک از تحقیقات صورت گرفته به‌طور خاص به آن پرداخته نشده و فقط به‌صورت کلی اهمیت و ضرورت تعامل مجلس و دولت به برای پیشبرد امور مملکتی تبیین شده است و همچنین در این

تحقیقات انجام شده، مطالعه راهبردی وجود ندارد تا نقاط تمایز آن با موضوع این رساله بیان شود و نوآوری تحقیق حاضر شامل موارد ذیل می‌باشد:

- بررسی و مطالعه موضوع تعامل مجلس و دولت به صورت توأم و یکپارچه؛
- خلق مفاهیم و رویکردهای جدید در تعامل مطلوب مجلس و دولت در نظام جمهوری اسلامی ایران؛
- تدوین تجارب نظام جمهوری اسلامی در حوزه تعامل مجلس و دولت؛
- استفاده از دیدگاه‌ها و رهنمودهای بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران و نیز رهبر معظم انقلاب اسلامی در تبیین تعامل مجلس و دولت؛
- تولید نظریه بومی - اسلامی در مورد تعامل مطلوب مجلس و دولت در جمهوری اسلامی ایران.

روش‌شناسی تحقیق

روش داده بنیاد

روش نظریه بنیانی (داده بنیاد) بیشتر برای پژوهش درباره موضوع‌هایی بکار می‌رود که پیش‌تر مطالعه چندانی در مورد آن‌ها انجام نشده و نیاز به بررسی و فهم عمیق‌تر آن‌ها وجود دارد (ادیب حاج‌باقری، ۱۳۸۵: ۱۷). به نظر می‌رسد با توجه به ویژگی‌های برشمرده شده، روش تحلیل داده بنیاد، روشی مناسب برای انجام تحقیق حاضر باشد. در این پژوهش، مصاحبه‌های اولیه به صورت کاملاً باز و ساختار نیافته انجام گرفت و به مرور با توجه به پاسخ‌های داده شده به سؤالات و کدگذاری مصاحبه‌های اولیه و پیدا کردن سرنخ‌های بیشتر برای سؤالات بعدی، شکل سؤالات تا حدی تغییر کرد هرچند تمام سؤالات مرتبط با موضوع و در چهارچوب پی بردن به سؤالات اصلی تحقیق بود. در برخی موارد هم برحسب اقتضای شرایط نسبت به مشاهده و جمع‌آوری داده توسط پژوهشگران پرداخته شد تا برخی جنبه‌های مسئله توسط خود پژوهشگران لمس شود. همچنین محقق پس از پایان توضیحات فرد مشارکت‌کننده یکبار مطالب بیان شده توسط او و برداشت خود از آن را بیان کرده تا پس از تأیید مصاحبه‌شونده از صحت مطالب بیان شده، اطمینان پیدا کند. در ضمن مدت‌زمان هر مصاحبه بر اساس موافقت طرفین و شرایط سازمانی، بین ۱/۵ تا ۳ ساعت بوده است. به منظور اعتباربخشی به نتایج، پژوهشگران در این پژوهش، در مرحله کدگذاری باز به شیوه مقایسه‌ای به تطابق میان همگونی اطلاعات و مقوله‌های به دست آمده می‌پردازند. همچنین در جریان کدگذاری محوری، در مورد مقوله‌ها سؤال طراحی شده و در رابطه با داده‌ها، به بررسی شواهد و

وقایع پرداخته می‌شود. در مرحله کدگذاری انتخابی نیز هرکدام از طبقه‌های به دست آمده، بر اساس مستندات علمی و پیشینه پژوهش، اعتبارسنجی می‌شوند.

روش تجزیه و تحلیل اطلاعات

در روش نظریه پردازی داده بنیاد، فرآیند گردآوری داده‌ها، نظم دادن و تجزیه و تحلیل داده‌ها به هم وابسته‌اند و هم‌زمان انجام می‌شوند. به عقیده استراوس و کوربین این فرآیند، اعمالی را نشان می‌دهد که به وسیله آن، نظریه‌ها بر پایه داده‌ها ساخته می‌شوند. این قسمت، فرآیند اصلی ساختن نظریه است. گفتنی است که مرز بین انواع کدگذاری‌ها مصنوعی است، به عبارتی محقق ممکن است از یک مرحله کدگذاری به مرحله دیگری وارد شود، بدون اینکه متوجه باشد. این اتفاق بیشتر در مراحل کدگذاری باز و کدگذاری محوری اتفاق می‌افتد (ایمان و محمدیان، ۱۳۸۷: ۳۶). در این تحقیق از یک سو برای گردآوری اطلاعات از روش کتابخانه‌ای و مطالعه اسنادی و مدارک موجود و نیز اینترنت (استفاده از اطلاعات موجود در وبگاه مقام معظم رهبری) و از سوی دیگر مصاحبه با ۲۴ نفر از خبرگان دارای سوابق تجربی در مسئولیت‌های سطوح عالی مجلس و دولت و یا ارکان مرتبط با قوای مقننه و مجریه انجام گرفت که به شکل هدفمند و به صورت تمام‌شمار انتخاب شده‌اند.

جدول ۳. ویژگی‌های جامعه آماری

سطح تحصیلات	کارشناسی	کارشناسی ارشد	دکتری
	۰٪	۲۰/۸۳٪	۷۹/۱۷٪
میزان آشنایی با دولت	خیلی کم ۰٪	کم ٪	متوسط ٪
میزان آشنایی با مجلس	خیلی کم ۰٪	کم ۰٪	متوسط ٪
میزان آشنایی با مدیریت در نظام ج.ا.	خیلی کم ۰٪	کم ۰٪	متوسط ٪
سنوات خدمت در مسئولیت‌های کلیدی	بین ۲۰ تا ۲۵ سال ۴/۱۷٪	بین ۲۵ تا ۳۰ سال ۱۲/۵٪	بیشتر از ۳۰ سال ۸۳/۳٪

یافته‌ها و تجزیه و تحلیل داده‌ها

الف: یافته‌های تحقیق

با مراجعه به جامعه آماری تحقیق، ۴۲ جلسه مصاحبه پژوهشی با ۲۴ نفر از صاحب‌نظران و نخبگان موضوع انجام و تعداد ۱۱۶۵ کد استخراج گردید. همچنین تعداد ۱۲ کد از بیانات امام خمینی (ره) و تعداد ۴۳ کد نیز از بیانات مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) استخراج گردید که در مجموع تعداد ۱۲۲۰ کدباز در مرحله اولیه به دست آمد.

کدگذاری داده‌ها

کدگذاری محوری و مقوله پردازی داده‌ها

در مرحله کدگذاری باز، تعداد ۱۲۲۰ کدباز احصاء شد و پس‌از آن اقدام به مفهوم‌پردازی داده‌ها گردید. منظور از مفهوم‌پردازی تجزیه (شکستن) جملات به اجزاء و برچسب‌گذاری (عنوان‌گذاری) هر یک از این اجزاء و به این طریق، دستیابی به نشانه‌هایی است که می‌توانند بیانگر مفاهیم باشند. از کنار یکدیگر قرار دادن مفاهیم مرتبط، مفهوم کلی استخراج گردید (بختیاری، ۱۳۹۵: ۱۱۲). در جدول شماره ۴ به‌طور نمونه از ۱۴۵ مفهوم، ۴۰ مفهوم از مفاهیم کلی بیان شده است.

جدول ۴. جدول مفاهیم کلی

ردیف	مفهوم	تعداد کدباز	ردیف	مفهوم	تعداد کدباز
۱	انطباق مطالبات، مواضع، رفتارها و رویکردها با موازین قانونی	۶	۲۱	محوریت رهبری در مدیریت کلان چالش‌های مجلس و دولت	۵
۲	استفاده از ظرفیت «تفسیر» جامع اصول قانون اساسی در تعامل	۷	۲۲	سند لازم‌الاجرا برای تنظیم روابط قوا	۳
۳	تدوین و تصویب قانون تعامل مجلس و دولت با مشارکت دو قوه	۲	۲۳	مرجع تصمیم‌سازی برای امور فرا قوه‌ای و مشترک	۱
۴	تمرکز نمایندگان و مجلس بر وظایف ذاتی قانون‌گذاری و نظارت	۱	۲۴	لزوم نظارت شفاف فرا قوه‌ای رهبر بر قوا	۲
۵	رفع ابهامات قانون اساسی در الگوی تعامل مطلوب	۶	۲۵	توانمندی و منش شخصیتی نمایندگان و دولت‌مردان	۱ ۶

ردیف	مفهوم	ردیف	مفهوم	ردیف
۱	تضمین التزام عملی دولت‌مردان و نمایندگان به قانون	۲۶	تبیین قانونی و شفاف مسئولیت رئیس‌جمهور برای اجرای قانون اساسی	۶
۲	فرهنگ گفتاری و رفتاری تضارب آراء در مجلس	۲۷	سازوکار لژیونر چشم‌انداز و سیاست‌های کلی بر تقنین، اجرا و نظارت	۷
۲	پایبندی به رفتارهای ارزشی در نمایندگان و دولت‌مردان	۲۸	اتکا رویکردهای مجلس و دولت به سند چشم‌انداز	۸
۱	نظارت مؤثر بر رفتار و عملکرد نمایندگان	۲۹	تبیین ماهیت و مختصات سیاست‌های کلی	۹
۱	آموزش‌های حاکمیتی برای نمایندگان و دولت‌مردان جدید	۳۰	فراگیری و جامع شدن سیاست‌های کلی	۱۰
۳	پشتیبانی فکری و اطلاعاتی نمایندگان	۳۱	شفافیت، کارایی و قابلیت اجرایی قوانین	۱۱
۷	بازدارندگی از مداخله نمایندگان در امور اجرایی	۳۲	انسجام و ثبات متناسب قوانین	۱۲
۱	اشتغال نمایندگان و دولت‌مردان به مسئولیت‌ها و پرهیز از امور حاشیه‌ای	۳۳	اولویت لایحه محوری در فرآیند قانون‌گذاری	۱۳
۱	کاهش ادبیات تعارفات و خودسانسوری	۳۴	بازنگری و کارآمد سازی فرآیند قانون‌گذاری و اتکا به کارشناسی	۱۴
۲	ارتقاء اخلاق و منش تحمل‌پذیری در نمایندگان و دولت‌مردان	۳۵	تبیین شفاف و حیطه‌بندی بین قانون، آیین‌نامه و سایر مصوبات	۱۵
۳	غلبه قانون‌محوری بر شخص‌محوری در نقش‌های نمایندگان و دولت‌مردان	۳۶	مفهوم «شاخص‌های کیفی قانون مطلوب»	۱۶
۱	کنترل شعارمحوری در مجلس و دولت	۳۷	نحوه و میزان تغییر لوایح در فرآیند تصویب مجلس	۱۷
۲	مشارکت متوازن سه قوه در انتخاب حقوق‌دانان شورای نگهبان	۳۸	ثبات و کارآمدی قوانین انتخابات	۱۸
۲	کارآمدترشان مراکز پژوهشی مجلس، دولت، شورای نگهبان و ...	۳۹	اهتمام دولت در ارائه بهنگام لوایح	۱۹
۱	سازوکار قانونی برای رسیدگی به قوانین و مقررات متعارض	۴۰	تبیین شفاف مصادق ولایت‌پذیری مجلس و دولت	۲۰

کدگذاری انتخابی داده‌ها و شکل‌گیری الگوی مفهومی

مرحله بعدی تجزیه و تحلیل داده‌ها در نظریه‌پردازی داده بنیاد، کدگذاری انتخابی است. در مرحله کدگذاری باز داده‌های تحقیق در کدهای مختلف احصاء شدند و سپس از طریق محورهای مشترک کدها، مفاهیم و با کدهای محوری از طریق مقایسه مفاهیم یا یکدیگر، مقوله‌ها شناسایی شدند. در کدگذاری انتخابی همان داده‌ها، دوباره با ایجاد روابط بین مقوله‌ها به گونه‌ای جدید به یکدیگر مرتبط و بنا به جنس مقوله‌ها، در دسته‌های خاصی تقسیم‌بندی می‌شوند؛ در واقع در این کدگذاری شش عمل تحلیلی مجزای تقریباً هم‌زمان شامل ایجاد ارتباط فرضی بین مفاهیم و مقوله‌ها به وسیله شرایط علی، محوری، واسطه‌ای، زمینه‌ای، راهبردها و پیامدها، تأیید آن‌ها با مراجعه با داده‌های واقعی، تلاش مداوم برای یافتن خصوصیات مقوله‌ها، بررسی وجود تنوع در پدیده، به وسیله مقایسه هر مقوله یا مفاهیم برای همه الگوهای متفاوت انجام می‌شود. در این تحقیق، مقوله تعامل مجلس و دولت در جمهوری اسلامی ایران به عنوان مقوله محوری در نظر گرفته شد و سایر مقوله‌های پیرامون آن، در قالب الگوی مفهومی قرار گرفت؛ بنابراین مقوله‌های حاصل از کدگذاری انتخابی در این تحقیق را می‌توان به شرح زیر بیان نمود:

جدول ۵. عوامل و مقوله‌های الگوی تعامل مجلس و دولت در جمهوری اسلامی ایران

ردیف	تعداد کد	نام مقوله	تعداد مفاهیم	
عوامل علی	۲۶	تکالیف مشترک و مکمل برای تحقق مطلوب قانون اساسی	۶	
	۱۱	الزامات مشترک چشم‌انداز و سیاست‌های کلی	۴	
	۳۹	چالش‌های قانون‌گذاری و اجرای قوانین	۹	
	۱۲	اقتضانات تحقق منویات رهبری	۵	
	۵۹	اقتضانات شغلی و شخصیتی نمایندگان و دولت‌مردان	۱۴	
عوامل محوری	۱	تعامل مجلس و دولت در جمهوری اسلامی ایران	۱	
	عوامل مداخله‌ای	۷	اثربخشی و تعامل با شورای نگهبان	۴
		۹	ساختار و فرآیندهای حل اختلاف	۲
		۶	لوايح و مداخله قضایی	۳
عوامل راهبردی	۱۸	نظام تصمیم‌گیری‌های موازی	۶	
	۹	مناسبات نهادهای عمومی غیردولتی با مجلس و دولت	۳	
	۶۵	شفاف‌سازی مناسبات و مرزبندی قوا	۱۵	
	۲۶	ایده نظام پارلمانی بومی	۶	

تعداد کد	تعداد مفهوم	نام مقوله	عوامل
۴	۲	ایده مجلس دوم قوه مقننه	
۵۰	۹	لایحه محوری و ارتقاء کیفیت قوانین	
۵	۲	شفافیت مسئولیت و اختیارات رئیس جمهور	
۲۷	۸	قانون تعامل و تفکیک از آیین نامه داخلی مجلس	
۱۸	۶	اتکا به کارشناسی، مشاوره و هم‌فکری مشترک	
۱۱	۴	ثبات و تنقیح جامع قوانین	
۶	۲	کمیسیون محوری در فرآیندهای مجلس	
۱۳	۲	تغییر ماهیت برنامه بودجه با اتکا به آمایش	
۳۰	۶	تضمین رعایت مهلت‌ها و تکالیف قانونی	
۲۸	۵	بازنگری سازوکارهای نظارتی مجلس	
۱۳	۵	شفافیت آراء و پاسخ‌گویی مجلس	
۹	۳	تطبيق جامع مصوبات با قوانین و مقررات	
۲۰	۵	رویکرد ملی مجلس و مدیریت محلی مطالبات	
۳۳	۶	آموزش و انتقال تجارب	
۲۶	۸	تحول در انتخاب و نقش ناظرین مجلس	
۷	۲	برنامه محوری مجلس و دولت	
۴۶	۹	بهینه‌سازی سازمان‌دهی و نظارت بر نمایندگان	
۲۴	۶	تحرك و انسجام ارتباطات دولت با مجلس	
۳۴	۶	ترکیب هماهنگ و کارایی هیات‌وزیران	
۳۶	۵	نقش آفرینی احزاب	
۵۴	۸	فرآیند و برونداد انتخابات	
۹	۴	جریان‌ات رسانه‌ای و مطالبات عمومی	
۸	۳	تحولات و مناسبات فراملی	
۷	۲	اثربخشی ذی‌نفعان و متنفذین	
۷۵	۱۵	ارتقاء کارآمدی مجلس و دولت	عوامل پیامدی
۲۹	۶	نهادینه شدن قانون‌مداری در تعامل	
۲۶	۵	تقویت اقتدار و انسجام نظام سیاسی	
۱۱۱	۱۹	کاهش چالش‌ها و هزینه‌های نظام	
۳۳	۷	تعمیق چشم‌انداز مشترک اهداف، منافع ملی و برنامه‌های پیشرفت	
۷۱	۱۴	ظرفیت‌سازی پاسخ‌گویی به مطالبات عمومی	

با استفاده از روش داده بنیاد و مقوله‌های استخراج شده حاصل از مرحله کدگذاری محوری و دسته‌بندی آن‌ها در مرحله کدگذاری انتخابی، الگوی تعامل مجلس و دولت در جمهوری اسلامی ایران به شکل زیر قابل ارائه است:



نمودار ۱. الگوی راهبردی تعامل مجلس و دولت در جمهوری اسلامی ایران

الگوی راهبردی تعامل مجلس و دولت در جمهوری اسلامی ایران مبتنی بر قانون اساسی، منویات رهبری، سیاست‌های کلی نظام و منش رفتاری نمایندگان و دولت‌مردان، با تأثیرپذیری از ۵ مقوله محیطی نظام‌مند و غیرنظام‌مند و نیز نقش ۵ مقوله مداخله‌ای نهادی و موازی و اتکا به مقوله‌های راهبردی شفافیت و مطالعه ایده‌های ساختاری (مبنایی) و تحول در ۲۱ هنجار حقوقی، مدیریتی و سیاسی در ابعاد دوره‌ای و فرادوره‌ای مجلس و دولت می‌باشد که پیامدهای مشترک برای مجلس، دولت، حاکمیت و جامعه از نتایج تحقق آن خواهد بود.

نتیجه‌گیری و پیشنهاد

پژوهش حاضر باهدف تدوین الگوی راهبردی تعامل مجلس و دولت در جمهوری اسلامی طی سال‌های ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۶ انجام گرفت و از نوع پژوهش‌های پیمایشی محسوب می‌شود. پس از طی مراحل مقدماتی، مرور ادبیات پژوهش، مصاحبه با ۲۴ نفر از خبرگان موضوع که همگی دارای مسئولیت‌های رده‌بالا در مجلس یا دولت و نهادهای وابسته یا تأثیرگذار بر مجلس و دولت و مطالعه بیانات رهبری، تعداد ۱۲۲۰ کدباز استخراج گردید. با بهره‌گیری از تئوری‌های روش گراند تئوری، از ترکیب کدهای باز، تعداد ۱۴۵ کد محوری احصاء و از ترکیب و تلفیق آن‌ها با استفاده از رویکرد نظریه فوق، تعداد ۴۲ کد انتخابی احصاء و در ۶ مقوله دسته‌بندی گردیدند.

مقوله‌های علی در الگوی پارادایمی، شرایط مقدم را تشکیل و پنج مقوله؛ «ابهامات و تکالیف مکمل برای تحقق مطلوب قانون اساسی»؛ «الزامات چشم‌انداز و سیاست‌های کلی»؛ «چالش‌های کمیت و کیفیت قوانین و اجرای آن‌ها»؛ «اقتضائات تحقق منویات رهبری» و «تفاوت شخصیتی و عملکردی نمایندگان و دولت‌مردان» با این عنوان در الگو قرار گرفت. به همین ترتیب مقوله‌های محیطی شامل پنج مقوله؛ «ظرفیت و نقش احزاب»؛ «فرآیند و برونداد انتخابات»؛ «جریان‌ات رسانه‌ای، مطالبات و تحولات عمومی»؛ «تحولات و مناسبات فراملی» و «جریان‌ات ذی‌نفع بانفوذ»، مقوله‌های مداخله‌ای شامل پنج مقوله «نقش و تعامل با شورای نگهبان»؛ «ساختار و فرآیندهای حل اختلاف»؛ «سازوکار مداخله و لویح قضایی»؛ «نظام تصمیم‌گیری‌های موازی» و «مناسبات نهادهای عمومی غیردولتی با مجلس و دولت»، مقوله‌های راهبردی شامل بیست‌ویک مقوله «مناسبات و مرزبندی شفاف قوا»؛ «ایده نظام پارلمانی بومی»؛ «ایده مجلس دوم قوه مقننه»؛ «لایحه محوری و ارتقاء کیفیت قوانین»؛ «شفافیت مسئولیت و اختیارات رئیس‌جمهور»؛ «قانون تعامل و تفکیک از آیین‌نامه داخلی مجلس»؛ «پشتوانه پژوهشی، کارشناسی و نظام مشاوره»؛ «ثبات و تقیح جامع

قوانین»؛ «کمیسیون محوری در مجلس»؛ «ماهیت قوانین برنامه‌بودجه»؛ «رعایت مهلت‌ها و تکالیف قانونی»؛ «کارایی سازوکارهای نظارتی مجلس»؛ «شفافیت آراء و پاسخ‌گویی مجلس»؛ «تطبيق جامع مصوبات با قوانین و مقررات»؛ «رویکرد ملی مجلس و مدیریت محلی مطالبات»؛ «آموزش و انتقال تجارب»؛ «هم‌فکری مشترک و ناظرین مجلس در مجامع»؛ «برنامه‌محوری مجلس و دولت»؛ «فرآیند سازمان‌دهی و مدیریت مجلس»؛ «ارتباطات منسجم و فعال دولت با مجلس» و «کارایی و هماهنگی هیات‌وزیران» و بالاخره مقوله‌های پیامدی شامل شش مقوله «کارآمدی مجلس و دولت»؛ «کارایی و محوریت قانون»؛ «اقتدار و انسجام نظام سیاسی»؛ «کاهش چالش‌ها و هزینه‌های نظام»؛ «چشم‌انداز مشترک اهداف، منافع ملی و برنامه‌های پیشرفت» و «پاسخ به مطالبات رهبری، نخبگان و مردم»، حول مقوله محوری قرار گرفت.

پیشنهاد

- الف) دانشگاه عالی دفاع ملی می‌تواند در پروژه پژوهش و تدوین الگوی نظام حکومتی از رهیافت‌های این تحقیق در بخش تعامل ارکان حکومتی استفاده نماید.
- ب) مرکز تحقیقات راهبردی ریاست‌جمهوری، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، مرکز پژوهش‌های شورای نگهبان و مرکز مطالعات استراتژیک و دبیرخانه مجمع تشخیص مصلحت نظام، یافته‌های پژوهش را در محتوای برنامه‌های پژوهشی و نیز دوره‌های آموزشی مرتبط لحاظ نمایند.
- ج) پژوهشگران بر اساس یافته‌های پژوهش، راهبردهای تعامل مجلس و دولت را با فرآیند خاص تحقیقات راهبردی تدوین نمایند.
- د) پژوهش‌های تکمیلی برای تدوین الگوی راهبردی تعامل مجلس و قوه قضائیه و نیز دولت و قوه قضائیه و همچنین قوای سه‌گانه انجام شود.

منابع

- آشوری، داریوش (۱۳۶۶)، دانشنامه سیاسی، چاپ اول، تهران: انتشارات مروارید و سهروردی.
- ابوالحمد، عبدالحمید (۱۳۶۸)، مبانی پنجم، چاپ پنجم، تهران: نشر طوس.
- ادیب حاج‌باقری، محسن (۱۳۸۵)، گراند تئوری راه و روش نظریه‌پردازی در علوم انسانی و بهداشتی، تهران: نشر بشری.
- برهانی، بهالدینی (۱۳۹۱)، مبانی مدیریت دولتی ۱ و ۲، چاپ چهارم، تهران: انتشارات برآیند پویش.
- بلامی، ریچارد (۱۳۸۴)، شکل سیاسی قانون اساسی، تفکیک قوا، حقوق فردی و دموکراسی نماینده سالار، ترجمه محسن حسوند، فصلنامه حقوق اساسی، سال دوم، شماره دوم.
- جونز، وت (۱۳۶۲)، خداوندان اندیشه سیاسی، ترجمه علی رامین، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- حسینقلی‌زاده، رضوان؛ حبیبی، لیلیا؛ عالی، مرضیه (۱۳۸۹)، «مروری بر روش‌شناسی نظریه پایه‌ور با تأکید بر مطالعات سازمانی»، فصلنامه راهبرد، شماره ۵۴.
- دانایی‌فرد، حسن؛ امامی، سیدمجتبی (۱۳۸۶)، «راهبردهای پژوهش کیفی، تأملی بر نظریه‌پردازی داده بنیاد»، فصلنامه اندیشه مدیریت، شماره دوم.
- طباطبائی مومنی، منوچهر (۱۳۹۰)، حقوق اساسی، تهران: نشر میزان، چاپ دوم.
- طلایی‌نیک، رضا (۱۳۹۶)، «تدوین الگوی راهبردی تعامل مجلس و دولت در جمهوری اسلامی ایران»، رساله دکتری، تهران: دانشگاه عالی دفاع ملی.
- عمیدزنجانی، عباسعلی (۱۳۹۱)، فقه سیاسی، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- قاضی، ابوالفضل (۱۳۷۵)، حقوق اساسی و نهادهای سیاسی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- قاضی، ابوالفضل (۱۳۸۸)، حقوق اساسی و نهادهای سیاسی، چاپ سوم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- قاضی، ابوالفضل (۱۳۷۳)، گفتارهایی در حقوق عمومی، تهران: نشر دادگستر، چاپ اول.
- قاضی، ابوالفضل (۱۳۷۵)، بایسته‌های حقوق اساسی، تهران: نشر دادگستر، چاپ اول.
- قالیباف، محمدمباقر (۱۳۹۱)، نگاه راهبردی به مؤلفه‌های سیاست داخلی کشور از برنامه پیشرفت و عدالت، چاپ اول، تهران: موسسه اندیشه و عمل پویا.
- قریشی، فردین (۱۳۸۹)، بحران ناهماهنگی پایدار قوای سه‌گانه حاکمیت؛ مطالعه موردی ایران، فصلنامه سیاست دانشکده حقوق و عدم سیاسی دانشگاه تهران، دوره چهارم، شماره ۳.

- کالینز، جان ام. (۱۳۸۳)، استراتژی بزرگ، ترجمه کورش بایندر، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- کلارک، استیو (۱۳۸۶)، مدیریت استراتژیک سیستم‌های اطلاعاتی، ترجمه محمد اعرابی و داود ایزدی، تهران: دفتر تحقیق‌های فرهنگی.
- گزارش تحقیقی مجلس (۱۳۸۶)، نقش مجلس شورای اسلامی در تحقق اهداف سیاسی سند چشم‌انداز، تهران: دفتر مطالعات سیاسی، شماره مسلسل ۸۸۵۵.
- گلشن، ابراهیم (۱۳۸۹)، «الزامات اجرایی سند چشم‌انداز بیست‌ساله جمهوری اسلامی ایران و ضرورت درک فراروش شناختی از حاکمیت»، سومین همایش ملی از سلسله همایش‌های تخصصی چشم‌انداز حاکمیت و دولت شایسته در ایران ۱۴۰۴، تهران: دبیرخانه مجمع تشخیص مصلحت نظام و دانشگاه آزاد اسلامی.
- مهرداد، محمد (۱۳۶۳)، فرهنگ جدید سیاسی، تهران: انتشارات هفته.
- نقیب‌زاده، احمد (۱۳۸۰)، درآمدی بر جامعه‌شناسی سیاسی، تهران: انتشارات سمت.
- نوری، روح‌الله (۱۳۹۲)، مبانی مدیری دولتی (نظریه‌های دولت و اداره امور عمومی در ایران)، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- وینست، آندرو (۱۳۷۱)، نظریه‌های دولت، ترجمه حسین بشیریه، چاپ اول، تهران: نشرنی.